

همین‌ها می‌بینند. پیش‌فرض من این بود که اراده‌ای برای حل این بحران‌ها وجود داشته که بر مبنای آن یک نقشه راه در نظر گرفته شده است. فرض این بود که اگر جامعه از تصمیمات حاکمیتی استقبال و پشتیبانی کند و روابط با دنیا هم از این حالت خارج شود، می‌توان دست به اصلاحات اقتصادی زد اما عملاً مسیری که پیش‌رفتیم این نبود. برگزاری این انتخابات اضطراری و انتخاب آقای پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهوری، با اظهارات اطرافیان حاضر در کمپین ایشان همراه شد مبنی بر اینکه نظام حکمرانی به جمع‌بندی‌های خاصی رسیده که نتیجه آن، تأیید صلاحیت ایشان به عنوان رئیس‌جمهوری بوده است. همین موضوع، جزو پیش‌فرض‌های من بود و گفتم که اگر چنین نظریه‌ای درست باشد می‌توان با چنین نقشه‌راهی حرکت کرد. اما الان به نظر می‌رسد که آن پیش‌فرض شاید درست نبوده است و در نتیجه ما الان در جایی خیلی عقب‌تر از چند ماه پیش قرار داریم. در رأس این مثلث بحران که خیلی نگرانی برای آینده را بیشتر می‌کند و نزدیک‌ترین این «آینده» هم سال ۱۴۰۴ است به چشم‌انداز ناترازی انرژی برمی‌گردد. فصل سرما تمام شده و به گرمای رسیدیم و مسأله تأمین برق به وجود می‌آید و دوباره زمستان سال بعد قرار است با ناترازی گاز دست‌وپنجه نرم کنیم. سالانه به طور متوسط، هم در برق و هم در گاز، ۶ درصد رشد مصرف وجود دارد که در درازمدت عدد بسیار بزرگی است چون مابه‌ازایی در تولید گاز و تولید برق وجود ندارد. من از داخل دولت اطلاع ندارم که کاری برای این بحران قرار است انجام بشود یا نه، اما تداوم این روند به معنای این است که سال آینده تعداد روزهای تعطیلی کشور به دلیل محدودیت‌هایی که از ناحیه انرژی با آن مواجه هستیم به مراتب بیشتر می‌شود. حالا اگر محدودیت‌های ناشی از فشار حداکثری ترامپ را هم بر اساس همین دستور جدید که ابلاغ کرده خواهیم لحاظ کنیم قاعده‌تاً صادرات نفت ایران نیز محدودتر خواهد شد حالا اینکه چقدر محدودتر شود من نمی‌دانم.

اما تجربه دوره قبلی ترامپ هم وجود دارد و می‌توان فهمید که اگر همان روال ادامه پیدا کند با چه چیزی در مورد فروش نفت مواجهیم.

بله همین‌طور است. با آن شرایط، محدودیت‌های ارزی ما بیشتر می‌شود و این اتفاق، فشار روی بازار ارز را افزایش خواهد داد. وقتی منابع دولت از محل

درآمدهای نفتی کاهش یابد، بودجه مرتبط با نفت نیز کمتر خواهد شد و این شرایط به شدت گرفتن کسری بودجه کمک می‌کند. بنابراین ما با یک مسأله جدی و شاید بتوان گفت حیاتی روبه‌رو هستیم. یعنی شرایط ما در سال آینده شرایط اصلاً نرمالی نیست و اگر تغییری در مؤلفه‌های سه رأس این مثلث بحران ایجاد نکنیم، دچار مشکلات بزرگی خواهیم بود.

در جمع‌بندی مباحثی که مطرح کردید می‌خواستم ببینم سال آینده باید از کدام بخش شروع کنیم و کدام بحران را حیاتی‌تر می‌دانید؟
بله، اگر این سه ضلع مثلث را در نظر



برگزاری این انتخابات اضطراری و انتخاب آقای پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهوری، با اظهارات اطرافیان حاضر در کمپین ایشان همراه شد مبنی بر اینکه نظام حکمرانی به جمع‌بندی‌های خاصی رسیده که نتیجه آن، تأیید صلاحیت ایشان به عنوان رئیس‌جمهوری بوده است. همین موضوع، جزو پیش‌فرض‌های من بود و گفتم که اگر چنین نظریه‌ای درست باشد می‌توان با چنین نقشه‌راهی حرکت کرد

بگیریم، در آن بخش روابط خارجی وارد عرصه درگیری شده‌ایم. یعنی نه اینکه ما به دنبال درگیری باشیم اما بالاخره به یک درگیری نزدیک شده‌ایم. در نتیجه به نظر من باید دنبال راهکاری باشیم که در آن بخش جواب بدهد و مشکلات مربوط به سیاست خارجی را حل و فصل کنیم. این کار هم با پیش‌فرض قرار دادن اینکه رئیس‌جمهوری آمریکا ترامپ است باید انجام گیرد. ما امور آمریکا را تعیین نمی‌کنیم و ترامپ هم فردی با خصوصیات فردی خاص خود است و با همین ویژگی‌های غیرنرمال، ابزارهایی در دست دارد که خطرناک‌اند. اگر رئیس‌جمهوری آمریکا یک فرد نرمال بود، فضای دیالوگ و گفت‌وگو با او شاید طور دیگری پیش

